

## جغد در افسانه ها و اساطیر

### نوشته پیتر تات

### گزیده و ترجمه حمید رضا بهمن زاد

جغد پرنده شبانه و انزواگزینی است که گونه های متعددی دارد. مشهورترین اش جغد سفید یا جغد انبار (1) است که سفید و قهوه ای است و صدای جیغ ماندندی دارد. جغد زرد و مایل به قهوه ای از انواع معروف و زیاد دیده شده جغدی است که صدای آشنای «توت توهو» را دارد.

پرنده گان شب رو، تعجبی ندارد، موضوع ترس عمیق و شک آدمی باشند و جغدها، با پروازهای بی صدا و آرام شان و آوای وهم آور خود در این میان استثناء نیستند. به عنوان مثال چاوسر (2) در اثر معروف خود (3) چنین ارجاعی می دهد: «جغد، که نشانه مرگ را به همراه می آورد.» شکسپیر هم به همین نحو آن را پیام آور بداقبالی و مرگ معرفی می کند. این معرفی در ژولیوس سزار است که تماماً بدشگون است چرا که در زمان معهود دیده نشده و بلکه در طی روز دیده شده است. آنچنان که کاسکا (4) در پرده نخست صحنه سوم می گوید: «و دیروز پرنده شب نشست/حتی در صلاه ظهر، بر بالای بازارچه، هوهو کنان و جیغ زنان.» در زمان شکسپیر مردم باور داشتند که اگر جغد در زمان تولد نوزادی ظاهر شود بدیمنی به همراه می آورد. به همین دلیل هنری پنجم ریچارد گلوستر را به شرارت و تبهکاری متهم می کند. آن چنانکه شکسپیر آورده است: «جغد در تولد جیغ زد، نشانه اهریمنی.»

در حدود دو هزار سال جلوتر، رومیان از جغد هراس بسیار داشتند، چرا که شبیه به خیلی انسانهای دیگر در طی سده ها، باور داشتند که این پرنده پیام آور مرگ است. اوید نوشت: «جغد ترسو، بخت شوم و وحشتناکی که بر آدمی فرود می آید.» چنین انگاشته میشد که سه امپراطور، آگوستوس، والنتینیان، و کومودوس آنتونیوس، پس از آنکه جغدی بر فراز ویلایشان فرود آمد درگذشتند. در نتیجه شکی وجود ندارد که بدانیم دیده شدن هر نوع جغدی در پایتخت تهدیدی فوق العاده به شمار می رفت: گرفته میشد، سوزانده و خاکسترش به تیبیر (5) سپرده میشد.

سرخپوستان پیما (6) در آریزونا حتی از ربط دادن جغدها و مرگ فراتر رفتند. آنها باور داشتند که جغدها در واقع ارواح کسانی را که در گذشته اند در خود دارند و با خود حمل می کنند. و اگر صدای جیغ جغدی در زمان مرگ کسی شنیده میشد نشانه آن بود که آن جغد در انتظار روح آن شخص بوده است. پرهای جغد به شخص در حال مرگ داده میشد و در جعبه بلند مخصوص اینکار نگاه داشته میشد. اگر بر حسب اتفاق خانواده ای چنین پری را در تملک خود نداشتند در پی شمن یا طبیب قبیله، که اغلب مجموعه ای از این گونه اقلام را نگاه می داشت، می فرستادند و از او می گرفتند.

چنین پیوندی میان مرگ و جغد در مصر باستان هم وجود داشت. فرعون‌ها زمانی که قصد داشتند از دست یکی از درباریان و یا افراد نزدیک به خود خلاص شوند تصویر یک جغد را برای او ارسال می‌کردند. پیغام کاملاً آشکار بود: «از گیرنده انتظار می‌رفت به زندگی خود پایان دهد.» در یادداشتی کمتر شریرا، و به خط هیروگلیف، صدای "ام" اشاره به جغد داشت که بطور نامعمول در این خط تصویری، صورتش از نیمرخ ترسیم شده بود. در جنوب هند هم باوری در میان مردم وجود دارد که به گونه‌ای دیگر بازتاب فولکور بریتانیایی در مورد زاغی (7) است. اگرچه در این مورد دفعات دیده شدن پرنده‌ها و دفعات جیغ کشیدنشان دلیلی بر غیب‌گویی از آینده نیست. اگر جغدی یکبار جیغ بزند مرگ را پیشگویی کرده است. دو بار علامت موفق شدن برخی از نقشه‌ها و طرح‌های در دست اقدام است. سه بار، از دواج است. چهار بار، دردسر است. پنج، سفر است. شش، از راه رسیدن دیدارکنندگان است. هفت، دلشوره و اضطراب است. هشت، مرگ ناگهانی است. و نه بار، وقوع اتفاق مورد علاقه.

بسیاری از سنت‌ها ربط میان جغد و کودکان را ثبت کرده‌اند. در تعدادی از آنها، ربط و پیوند، بخشی از باور بزرگتری است که جغدها خبر از آینده می‌دهند. به عنوان نمونه در جنوب فرانسه باور بر این بود که اگر صدای جغدی از دودکش خانه زن بارداری شنیده شود نوزاد دختر خواهد بود. در فولکور یهودی، ترس از آن داشتند که شنیدن صدای جغدها سبب مرگ نوزادان شود و معتقد بودند یک روش برای جلوگیری از این اتفاق آب پاشیدن در حیاط خانه است تا پرنده حواسش پرت و گمراه شود. اما در سنت‌های دیگر رابطه مستقیم‌تر و فیزیکی میان پرنده‌ها و انسانهایی که از آنها هراس داشتند وجود داشت. بربرهای شمال آفریقا باور داشتند جغدها – در زبان محلی شیری (8) که به خاطر صدایشان آنها را چنین نامی داده بودند – دو نوک پستان دارند؛ مثل زنها. و اگر آنها نوزاد تازه متولد شده‌ای را در خیمه‌ها ببابند در سکوت شب به آنجا پرواز کرده و به نوزاد شیر می‌دهند. یک پستان شیر مخصوص تولید میکند که موجب رشد و قوی شدن نوزاد میشود. پستان دیگر خون آلوده‌ای را تولید میکند که نوزاد با نوشیدن آن تا صبح کشته میشود. اگر نوزادی با منخرین خونین دیده میشد نشان آن بود که شیری (جغد) تقصیرکار است. حتی امروزه برای اینکه مانع کار پرنده شوند برخی از مادران سر نوزاد تازه متولد شده را در هنگام خواب می‌پوشانند. احتمال دارد که این خرافه معادل آن چیزی باشد که در کشورهای غربی از آن به "مرگ در خواب" (9) یاد میشود.

به موازات این باور، نگاهی به فولکور اروپاییان بیندازیم. تیتینوس نویسنده سده دوم پیش از میلاد توصیه میکرد سیر بر روی نوزاد بنهند تا او را از صدای گوشخراش جغد محافظت کند. که مبادا شیر میان لبهای آنها فرو کند. سده‌های بعد فیلسوف آلمانی قرون میانه، آلبرتوس ماگنوس (10)، به اعتقاد بسیار مشابهی در بحث خود از جغد شاخدار اشاره کرد. او همچنین آن را "اما" (11) نامید؛ نامی که راهب اهل دومینیکن، وینسنت د بوداس، در دایره

المعارف خود به جغد برای عشق این پرنده به کودکان داده بود. او معتقد بود "اما" هم‌ریشه با فعل لاتینی عشق (12) و مشتق از آن است.

از این باورها به این اعتقاد رسیدن که جغدها می‌توانند نقش ویژه‌ای در جادوگری ایفا کنند فقط چند گام کوتاه فاصله است. رومیان تصور می‌کردند هکات (13)، الهه جهان زیرین و جادو، جغد را در سمت خود دارد و معتقد بودند که جغدها از بستگان جادوگران هستند و آنها را در سفرهای اهریمنی خود بر بالهایشان نشانده و بی صدا با خود حمل می‌کنند. اهالی شهرستان های سوئد استدلال می‌کردند که شخص بایستی هنگام صحبت کردن از جغدها به شدت مراقب باشد تا آنها را خشمگین نسازد. به همین ترتیب، اگر جغدی کشته می‌شد، باوری قوی وجود داشت که همراهانش برای تلافی باز می‌کردند. جای تعجبی هم ندارد که جغدها جزو مواد اولیه لازم برای جوشانده بسیاری از جادوگران بودند. سه جادوگر مکبث شکسپیر «بال جوجه جغدی» را به معجون جادویی خود می‌افزایند. بن جانسون (14) در نمایش منظوم ملکه ها (15) اشاره به «تخم جغدها و پرهای مشکی» می‌کند. ناگفته نماند که باوری مخالف با این اعتقاد رایج و هم آلود و سنت منفی‌نگری در باره جغدها هم وجود دارد. برای بسیاری جغد موجود شب‌زی بوده که بایستی از آن دوری کرد. حتی آن را به عنوان پرنده احمقی تصور کرده‌اند. شاید به این دلیل که در روشنایی روز پریشان شده و خیره می‌ماند. با این همه در یونان باستان جغد نماد فرزاندگی و پرنده‌ای مقدس برای آتن بود؛ الهه خرد و پیروزی. حتی به دفعات تصویر این پرنده بر روی سکه‌ها حک شده بود. مشاهده یک جغد خوش‌یمن بود؛ آنچنان که آریستوفان در نمایشنامه اش، زنبورها (16)، به روشنی آن را به میان کشیده است: «و ما سپاهشان را به عقب رانديم، و هنوز شامگاه فرو نیفتاده بود، نزدیک که می‌شدیم، جغدی از فراز سرهایمان گذشت. و خدایان در جانب ما بودند.»

یک فرمانده یونانی تعداد زیادی جغد را پیش از پیروزی نهایی یونانی‌ها بر کارتاژها در سال 310 پیش از میلاد آزاد کرد. جغدها در میان سپاه مقابل به پرواز درآمدند و بر بالای چادرهای آنها جایگیر شدند و روحیه سپاهیان را در حد بالایی تقویت کردند. به واقع، «این هم جغد که آمد»، ضرب‌المثلی یونانی بود که از پیروزی نزدیک خبر می‌داد.

این دید مثبت نسبت به جغد در افسانه‌های پزشکی هم به فراوانی دیده می‌شود. اگر چه ممکن است برای موارد شیطانی توسط جادوگران مورد سوء استفاده قرار گرفته باشد. جغدها توسط افراد معمولی برای درمان استفاده می‌شده است. در هند تصور می‌شد خوردن تخم جغد می‌تواند بینایی در شب را تقویت کند. مردم محلی تعدادی پر جغد را در زیر بالش نوزادان بدخلق می‌نهادند به این گمان که آنها را آرام کنند. بر عکس، چروکی (17) های آمریکای شمالی چشمان فرزندان خود را با مایعی حاوی پرهای جغد شستشو می‌دادند تا آنها را برای بیدار نگاه داشتن در شب کمک کند. مردمان یورکشایر (18) تصور می‌کردند از آنجا که جغد می‌تواند هو هو (19) کند اما آسیبی نرساند، آبگوشت درست شده از جغدها می‌تواند سیاه سرفه (20) را درمان کند. در ضمن در آلمان باور بر

این بود که قرار دادن قلب و پای راست جغد در زیر بغل مطمئناً شما را از گاز گرفتگی توسط سگ هار محافظت می‌کند. و این در حالی است که رومیان اعتقاد داشتند خاکستر پاهای یک جغد می‌تواند دارویی شفابخش برای مارگزیدگی توسط مارهای سمی باشد. پلینی (21) همچنین نوشته است که «جوجه جغد» دارویی برای گزش زالو و نیش حشرات است.

شواهد گوناگونی از خواص جادویی جغد در میان باورهای مردم در سراسر دنیا وجود دارد: در سال 1863 در پنسیلوانیا یک آمیش (22) ادعا کرد گذاشتن قلب و پای راست جغد انبار بر روی شخص در حال خواب سبب میشود آن شخص به هر سئوالی که از او میشود با صداقت پاسخ دهد. این باور شبیه به گفته ای است که آلبرتوس ماگنوس، که احتمالاً از پلینی نقل قول کرده، نوشته است: «گذاشتن قلب یک جغد بر روی پستان یک زن در خواب سبب میشود زن رازهایش را برملا کند.» در بریتانیا و اروپا در زمانی نه چندان دور جغدهای مرده را به انبار مزرعه میخ می‌کردند تا در برابر تگرگ و رعد و برق مزرعه را محافظت کنند. دیگر بار تکرار کنیم که این تصویری است با سابقه طولانی که توسط مولف رومی، کولوملا (23)، که نوشته ای بلند از او در باره کشاورزی (24) در سده نخست میلادی از او در دست داریم، به دست ما رسیده است و به نظر هم می‌آید که در سطح وسیعی مورد باور مردم بوده است. در چین جغدها به عنوان «دفع رعد» شناخته می‌شدند و گونه ای وسیله تزئینی شبیه به جغد در گوشه های سقف اماکن برای محافظت از آتش نصب می‌کردند.

در میان تمامی این افسانه های شفابخشی و افسونگری و سحر و جادو، یکی از قدیمی ترین باورها، و مطمئناً عجیب و غریب ترینشان، آن است که جغد می‌تواند مانع مستی شود. یونانیان باستان باور داشتند هر کودکی که یک تخم جغد را بخورد هرگز دائم الخمر نمی‌شود. در سال 1643 جان سوان (25) در کتابش، آیین دنیا (26)، نوشت تخم جغدی که در یک ظرف شکسته و خورده شود می‌تواند مانع نوشیدن شراب توسط افراد دائم الخمر شود. در متنی پزشکی در سده نخست میلادی به نام سایرانیس (27) اشاره ای به رابطه حاشیه ای میان جغدها و الکل وجود دارد که علاوه بر پیچیدن نسخه ای برای تهیه سوپی از تخم جغد و خوردن آن در زمان به محاق رفتن ماه، آن را برای درمان صرع هم پیشنهاد می‌کند. جغد نمک سود برای درمان نقرس بکار می‌رفت. چرا که تصور می‌شد مصرف بیش از اندازه الکل سبب نقرس میشود. این پیشنهاد درمان گوشه ای از شکل گیری این باور گسترده را در میان جوامع انسانی نشان میدهد.

هیچ نوشته ای در باره جغد و باورهای تنبیه شده به گرد آن در میان فولکورهای جوامع گوناگون کامل نخواهد بود اگر که افسانه زیر هم به آن افزوده نشود: «آنها می‌گویند جغد دختر یک نانا بود» که اوفلیا در هاملت شکسپیر زمان کوتاهی پیش از خودکشی اش آفرید. افسانه می‌گوید که چگونه عیسی برای غذا خوردن به دکان نانوايي رفت. نانوا مقداری خمیر را در کوره نهاد تا کیک بپزد. اما دختر فکر کرد که پدرش زیادی مایه گذاشته است. بنابراین این خمیر را از کوره درآورد و آن را به نصف تقلیل داد. زمانی که خمیر پخت و کیک آماده شد به اندازه ای

بزرگ شده بود که دختر با شگفتی فریاد زد: «هو! هو! هو!» و بلافاصله به دست عیسی و برای مجازات تنگ نظری اش به یک جغد تبدیل شد.

حکایاتی مشابه با جغد در مورد دارکوب و خروس کولی هم گفته شده است.

در ضرب المثل هلندی داریم: «چه فایده دارد شمع و آینه داشته باشیم اگر جغد نتواند ببیند.» کنایه از این باور که «اگر طرف خودش نخواهد با زور نمی شود کاری از پیش برد.» (28)

ضرب المثل مجاری می گوید: «جغد به پرستو می گوید پرمدعا.» کنایه از دیگ به سه پایه می گوید سیاه. (29)  
ضرب المثل فیلیپینی می گوید: «مکانی که اقامتگاه جغد باشد چه ارزشی دارد؟» که در نکوهش ثروت فراوان و تنهایی حاصل از آن است.

نوشته پیتر تات – 2009

متون زبان فارسی واژه های مترادف بسیاری برای جغد دارد. مشهورترینشان بوف، بهمن مرغ، و بوم هستند.  
(فرهنگ سغدی – تألیف بدرالزمان قریب)

مرغ بهمن در متون اوستایی آشوزوشت است. پرنده اسطوره ای ایرانی که آفریده اهورامزدا است و یاریگر نیروهای نیکی می باشد. (ا. جی. کارنوی – اساطیر ایرانی – ترجمه احمد ایرانی – 1346)

به یادبود کتاب هدایت – که بوف کور بینایش اعماق تاریخ فرهنگ ایران را به خوبی کاوید. برای آخرین تحلیل در باره این اثر نگاه کنید به کتاب " خفیه نگاری خشونت در سرزمین آدم لتی ها" نوشته شاپور جورکش (نشر اینترنتی، 1390)

- 1) Barn owl
- 2) Chaucer
- 3) Parlement of Fowlers
- 4) Casca
- 5) Tiber
- 6) Pima

یک عضو فرقه سنتگرا آناباپتیست ها که در اواخر قرن هفدهم از منوئیت ها جدا شدند و امروز اکثراً در جنوب پنسیلوانیا زندگی می کنند. رهبر فرقه یاکوب آنان اسقف منوئیت اهل سوئد بود.

- 7) Magpie
- 8) Sheerrees
- 9) Cot death
- 10) Albertus Magnus
- 11) Amma
- 12) Amare
- 13) Hecate
- 14) Ben Jonson
- 15) Masque of Queenes
- 16) The Wasps
- 17) Cherokees
- 18) Yorkshire
- 19) Hoot
- 20) Whooping cough
- 21) Pliny
- 22) Amish
- 23) Columella
- 24) Te Re Rustica
- 25) John Swan
- 26) The Mirror of the World
- 27) Cyranides
- 28) «You can lead a horse to water, but you cannot make him drink.»
- 29) «The pot calling the kettle black.